

بازنمایی نقش‌های جنسیتی در کتاب‌های درسی سال ششم دوره ابتدایی ایران

میمنت عابدینی بلترک^۱، محمدجواد لیاقت دار^{۲*}، سیروس منصوری^۳

چکیده

این تحقیق هدف خود را بر بازنمایی نقش‌های جنسیتی در کتاب‌های درسی سال ششم متمرکز نموده است و به بررسی میزان توجه به تصاویر جنسیتی و نقش‌های شغلی به تفکیک هر دو جنس پرداخته است. روش مورد استفاده در تحلیل محتوای این تحقیق، آنتروپی شانون بوده و واحد تحلیل نیز متن، پرسش‌ها، تمرین‌ها و تصاویر (می‌باشد که در مجموع ۸۲۹ صفحه را شامل می‌شود). جامعه آماری، کلیه کتاب‌ها شامل ۹ جلد در سال تحصیلی ۱۳۹۳-۱۳۹۲ در نه عنوان فارسی (بخوانیم)، فارسی (بنویسیم)، علوم، هدیه‌های آسمانی، آموزش قرآن، ریاضی، مطالعات اجتماعی، تفکر و پژوهش، کار و فن‌آوری بوده و نمونه‌آماری این پژوهش، هشت عنوان فارسی (بخوانیم)، فارسی (بنویسیم)، علوم، هدیه‌های آسمانی، قرآن، مطالعات اجتماعی، تفکر و پژوهش، کار و فن‌آوری را شامل می‌شود. نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که به نقش‌های شغلی مردان و تصاویر آمده در کتاب‌های درسی عمدتاً به این جنس تعلق دارد و نقش شغلی زنان و تصاویر آمده در کتاب‌ها کم‌رنگ و یا اینکه در برخی کتاب‌ها هیچ‌گونه اشاره‌ای نشده است.

واژه‌های کلیدی: جنسیت، تحلیل محتوا، دوره ابتدایی.

مقدمه

- ^۱. دانشیار و عضو هیأت علمی دانشگاه اصفهان، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان
- ^۲. دانشجوی دکتری برنامه ریزی درسی دانشگاه اصفهان، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان،
- ^۳. دانشجوی دکتری برنامه ریزی درسی دانشگاه شیراز، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شیراز، شیراز.

یکی از مهم‌ترین جنبه‌های اجتماعی شدن کودکان پذیرفتن نقش‌های جنسیتی از سوی آن‌ها است. جنس مشخصه‌ای زیستی و بنابراین ذاتی، گریز ناپذیر و تغییرنکردنی است؛ پس اندام بدن یا نوع و مقدار هرمون‌ها پدیده‌هایی جنسی هستند که از بدو تولد بر بدن تحمیل می‌شوند، اما زنانگی، مردانگی، رفتارها، هنجارها و ملاک‌های آن‌ها از جنسیت سرچشمه می‌گیرند. جنسیت، مشخصه‌ای زیستی نیست، بلکه نقشی است که جامعه آن را در روند تربیت تعریف و القا می‌کند. نقش جنسیتی بر ساختی است که مختصات زنانگی و مردانگی را در اجتماع تعریف می‌کند؛ برای نمونه در جوامع مشخص، نقش‌های جنسیتی شیوه‌ی آرایش و نوع پوشش زنان را مشخص می‌کنند و با آرایش و پوشش مردان متفاوت است. نقش‌های جنسیتی اقتضا می‌کنند که مردان خشن و مسلط و زنان ظریف و زودرنج باشند. این‌ها ویژگی‌های ذاتی نیستند، نقش‌هایی هستند که جامعه می‌پردازد و القا می‌کند (Zekavat & poorgive, 2011). طبق گفت (Salehi omran & etal, 2011)، زنان همواره از اقشار بسیار تأثیرگذار در حیطه‌های مختلف جامعه بشمار می‌روند. امروزه بسیاری بر این باورند که عوامل بیولوژیک در شکل دادن به نقش‌های جنسیتی زن و مرد در جامعه بسیار موثرند. اغلب چنین استدلال می‌شود که مردان از زنان قوی‌تر و از این رو برای کارهای سخت جسمانی چون کارگری و شکار مناسب‌ترند. برخی معتقدند عوامل بیولوژیک باعث تفاوت در شخصیت و خلق و خوی دو جنس می‌شود و بدین ترتیب عموماً زنان را از مردان پراحساس‌تر می‌شمارند و گمان می‌کنند آنان علاقه‌ای ذاتی به پرورش و مراقبت از دیگران دارند. این ویژگی‌ها زنان را برای کارهایی چون پرستاری، آموزگاری و نگاه‌داری از کودکان مناسب می‌سازد. ویژگی‌هایی را که زنان «به طور طبیعی» دارند غالباً حقیر می‌شمارند. نکته‌ی قابل توجه در اینجا بحث تمییز جنس و جنسیت می‌باشد که یکی از اندیشه‌های اساسی در بسیاری از مکتب‌های فلسفی از جمله فمینیسم است (Tong, 2009) جنس به جنبه‌ی زیستی هویت زنان اشاره دارد، در حالی که جنسیت ساخت (اجتماعی- فرهنگی) است. کیت میلر هم معتقد است که جنس (پدیده‌ای) زیستی است و جنسیت روانشناختی و بنابراین فرهنگی می‌باشد (Glover & Cora, 2009)

از جمله سؤالات مهم که در کانون توجه‌ی این مطالعات بوده است این است که: تمایزهای جنسیتی از چه نقطه‌ای آغاز می‌شوند؟ چگونه در جامعه شکلی تثبیت شده و پابرجا به خود می‌گیرند؟ با وجود مشکلات موجود در مشخص نمودن اهمیت نسبی سهم هریک از عوامل درگیر در این رابطه، اغلب صاحب‌نظران بر این باورند که آموزش رسمی و محیط مدرسه یکی از کارگزاران اصلی اجتماعی شدن بشمار می‌رود. دانش‌آموزان در محیط مدرسه، نقش‌ها و ارزش‌هایی را فرا می‌گیرند که نظام جنسیت یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های آن است (Gooden & Gooden, 2001). مدرسه نقش بسیار مهمی در این راستا و ارتقای آن در مراحل اولیه و بالاتر از آن ایفا می‌کند که می‌تواند

شخصیت دانش آموز، نگرش، مهارت و نیز آگاهی آنان را بهبود بخشد. کتاب‌ها و مطالب درسی، به-مراتب نقشی بیش از انتقال صرف اطلاعات به کودکان را بر عهده دارند. تحقیقاتی متعدد در ایران به محتوای مواد مختلف درسی در ایران توجه نشان داده اند و مضامین مربوط به جنسیت را در فحوای آن مطالعه کرده است (Oreizi & Abedi, 2004; Imani & mozafar, 2005; Shekhavandi, 2007). در واقع برنامه‌درسی به عنوان بدیهی‌ترین رهیافت و راهبرد اساسی در راستای این مفهوم و مؤلفه‌های مربوط به آن به کودکان و نوجوانان دانش‌آموز می‌باشد. علاوه بر آن با توجه به اهمیتی که این مسأله همانطور که عنوان گردید در زندگی افراد و آموزش آنها به دانش-آموزان داشته، لازم است محتوای موجود کتاب‌های درسی به عنوان مهم‌ترین عنصر آموزش مورد بررسی و تحلیل قرار گیرند تا میزان توجه به هریک از مفاهیم مورد نظر مشخص شود (Abedini baltork, 2007). به‌طور کلی؛ کلیشه‌ها یا تصورات قالب جنسیتی، اعتقادات و باورهای فرهنگی جامعه را درباره‌ی آنچه باید نقش‌های جنسیتی باشند، منعکس می‌کنند. این تصورات از نهادهایی چون خانواده و مدرسه آغاز می‌شود و در محیط‌های کاری و جمع دوستان به تدریج از کودکی تا بزرگسالی به افراد منتقل می‌شوند. افراد در کنش متقابل با محیط‌های اجتماعی درکی از نقش‌های جنسیتی خود به‌دست می‌آورند که این درک، بخش مهمی از ادراک فرد نسبت به خود را تشکیل می‌دهد. با وجود انجام مطالعات بسیار در سال‌های اخیر، تغییراتی مهم در برنامه‌های درسی و به تبع آن تهیه و تنظیم کتاب‌ها و مواد درسی دوره ابتدایی صورت گرفته است. یکی از این تغییرات؛ افزودن پایه ششم و کتب مربوط به این مقطع می‌باشد و اکنون در همه‌ی مدارس کشور تدریس می‌شود. با توجه به اهمیت جدید بودن این پایه و جدید بودن محتوای کتاب‌های درسی آن، این مطالعه قصد دارد تا خلاء مطالعاتی موجود را پر کند و تصویری از شیوه‌ی انعکاس هویت جنسیتی در محتوای کتب درسی ارائه دهد.

چارچوب نظری و پیشینه پژوهش

فرآیند تعریف و القای نقش‌های جنسیتی از کودکی آغاز می‌شود. لباسی که به پسرها پوشانده می‌شود، حتی از نظر رنگ با لباس خواهرانشان متفاوت است. پسرها گوشواره و گردنبند و گیس ندارند. عروسک، اسباب بازی دختران و تفنگ و ماشین اسباب بازی پسرها است. خلبانی و مهندسی شغل آینده پسر بچه‌ها است، در حالی که هیچ کس از خواهرانشان نمی‌پرسد که در آینده دوست دارند چه کاره شوند. پسرها مرد شده‌اند و مرد که گریه نمی‌کند، ولی دخترها مرد نشده‌اند و قرار هم نیست مرد شوند، پس می‌توانند بگیرند. وقتی پسرها در بازی‌هایشان از در و دیوار بالا می‌روند، دخترها خاله‌بازی می‌کنند. اگر کودکی از این نقش‌ها عدول کند، با واکنش اطرافیان روبه-رو می‌شود. نقش‌های جنسیتی نه فقط از طریق خانواده که در تلویزیون، مدرسه و کتاب قصه‌ها نیز

ارائه می‌شوند، اما نباید فراموش کرد که گفتمان مردسالار در جامعه‌ای غالب است که این نقش‌های جنسیتی را تعریف و القا می‌کند.

به نظر صاحب‌نظران تئوری جامعه‌پذیری، جنسیت عنصری اساسی محسوب می‌شود که افزون بر درک جهان اجتماعی و جایگاه فردی، در شکل‌گیری احساسات، افکار، رفتارها و کنش‌های انسانی نقش کلیدی ایفا می‌کند. انسان‌ها از دوران کودکی یاد می‌گیرند که جامعه انتظارات و استانداردهای متفاوتی از دخترها و پسرها دارد. تایلور این استانداردها و انتظارات متفاوت را اصطلاحاً کدهای جنسیتی می‌نامد و معتقد است در واقع ایدئولوژی جامعه از طریق این کدهای جنسیتی درونی می‌شوند. به عقیده این صاحب‌نظران مدارس در جایگاه مراکز رسمی آموزش و پرورش نقش تعیین‌کننده‌ای در جامعه‌پذیری آنها ایفا می‌کند. نظریات مطرح در این رابطه عبارت‌اند از:

نظریه‌های زیست‌شناختی:

از آنجا که بسیاری معتقدند که تفاوت نقش‌های جنسیتی به منزله واقعیتی جهانی باید علتی جهانی داشته باشد، عوامل زیستی به دلیل ویژگی جهانشمولی‌شان، در تبیین تفاوت نقش‌ها اهمیت می‌یابند. در این میان عواملی مانند تفاوت در قدرت بدنی، تفاوت در زیست‌شناسی تولیدمثل، تفاوت در میزان هورمون‌های جنسی در مردان و زنان مهم‌اند. با این همه، صاحب‌نظران معاصر برای عوامل زیست‌شناختی تأثیر قاطع و اجتناب‌ناپذیری در تفکیک جنسیتی نقش‌ها قایل نیستند؛ چراکه معتقدند می‌توان با آموزش فرهنگ، آنها را از میان برد (Zibaeinezhad, 2009; 45).

نظریه‌های روان‌شناختی:

در میان نظریه‌های روان‌شناختی ناظر به این زمینه نظریه‌های روان‌کاوی و نظریه‌های متأثر از آن از اهمیت برخوردارند. از مهم‌ترین این نظریات می‌توان به نظریه چودورو که مراحل جامعه‌پذیری و هویت‌یابی دختران و پسران را با توجه به فرآیند همانندسازی با والدینشان توضیح می‌دهد اشاره نمود. در نخستین مرحله جامعه‌پذیری، کودکان هر دو جنس با مادر همانندسازی شخصی می‌کنند، ولی در ادامه پسر ناگزیر می‌شود با همانندسازی با پدر، نقش‌های مردانه را بپذیرد. نظریه مطرح دیگر در این زمینه نظریه دوروتی دینرشتاین است: از آنجا که بدن مادر، نخستین موضوع روبه‌رو شدن کودک با جهان است، مادر هم منبع لذت و هم منبع درد و رنج برای کودکی است که اطمینان ندارد نیازهای جسمی و روانی‌اش برآورده می‌شود یا نه. از این روی کودک با احساسی دوگانه در قبال مادرها و زنان رشد می‌کند. مردان که نمی‌خواهند دوباره به طور محض به یک قدرت بسیار نیرومند وابسته شوند، می‌کوشند تا زنان را کنترل کنند. زنان نیز که از قدرت مادر در درون خودشان بیمناک‌اند، درصدد برمی‌آیند تا به دست مردان کنترل شوند. این دو فرآیند به ترتیبات جنسی خاصی می‌انجامد که برتری مردان بر زنان از نظر تصرف جنسی، سرکوبی نیاز

جنسی زنان، و برخورد با زنان به منزله اشیا و تقسیم کار خانگی و بیرونی، از جمله آن‌هاست (Zibaiezhad, 2009; 56).

نظریه یادگیری اجتماعی:

کودک از دو راه عمده، رفتارهای اجتماعی و نقش‌های جنسیتی را می‌آموزد: نخست آموزش مستقیم، دوم، از راه تقلید یا سرمشق‌گیری. این دو فرآیند، سه مرحله عمده را در فراگیری رفتارهای جنسیتی در پی دارند: نخست کودک از بین پدر و مادر با همجنس خود پیوند می‌خورد، در مرحله بعد، کودک مجموعه‌ای از اقدامات پاداش دهنده و تنبیه کننده را مبنایی برای تعمیم دادن قرار می‌دهد یا با همجنس خود از والدین همانندسازی می‌کند، سرانجام در مرحله سوم، فرآیند تعمیم دهی به شکل‌گیری هویت جنسیتی متناسب، همراه با رفتار جنسیتی متناسب خواهد انجامید. به عبارت دیگر می‌توان این مراحل را به صورت زیر بیان نمود؛

یادگیری مشاهده‌ای بندورا فرایندی سه مرحله‌ای است:

- نمایش: در این مرحله مشاهده‌کننده در برابر الگو یا مدلی قرار می‌گیرد که رفتار خاصی را ارائه می‌دهد. این الگوسازی می‌تواند در یک مدل زنده یا نقش فرد در یک فیلم، داستان یا کارتون انجام شود.
- اکتساب: در این مرحله از الگوسازی فقط در معرض و حضور یک الگو قرار گرفتن کافی نیست. اگر لازم است که رفتاری یاد گرفته شود، فرد باید در رفتار آن مدل و الگو مشارکت کند و همان رفتار و الگو را به نمایش بگذارد و رفتار مورد ارزیابی قرار گیرد.
- پذیرش: در آخرین مرحله از یادگیری مشاهده‌ای، رفتار به نمایش در می‌آید. وقتی مشاهده‌کننده رفتار، الگو یا مدل خود را انجام می‌دهد، بدون آن که در پی دستیابی به هدف‌هایش باشد.

کودکان، رفتار نقش جنسیتی پسران و دختران را از طریق یادگیری مشاهده‌ای می‌آموزند و این که جامعه از آنان در مقام یک دختر یا یک پسر چه انتظاراتی دارد و این اطلاعات را به نحو فعالانه‌ای جذب می‌کند و آن را با اطلاعات دیگری ترکیب می‌کند که کسب کرده است تا مفاهیمی مناسب با جنسیت خود را بسازد (Massen, 2011; 409).

نظریه تحول شناختی:

نظریه‌پردازان دیدگاه تحول شناختی؛ برخلاف نظریه‌پردازان یادگیری اجتماعی که هویت جنسیتی را ناشی از رفتارهای وابسته به جنسیت می‌دانند، رفتارهای وابسته به جنسیت را ناشی از انطباق شناختی هویت جنسیتی می‌دانند، یعنی معتقدند کلیشه‌های جنسیتی بخشی از فرایند تحول هویت جنسیتی است. کلبگ از نظریه‌پردازان تحول شناختی است که تحول نقش‌های جنسیتی را

در چارچوب نظریه مفهوم جنسیت مطرح می‌کند. وی معتقد است دستیابی به مفهوم ثبات جنسیتی نقش تعیین کننده‌ای در کسب نقش جنسیتی دارد. زمانی که دختر بچه می‌فهمد که از جنس مؤنث است و در آینده زن خواهد شد، این ادراک جزء مهمی از هویت جنسیتی اوست و به ارزش‌نگاری او منجر می‌شود. در نظریه مفهوم جنسیت، توانایی برچسب زدن و ثبات جنسیتی زمینه را برای درک جنسیت در کودکان مهیا می‌سازد و کودکان دانش بیش‌تری درباره‌ی جنسیت خود به‌دست آورند که این دانش به‌مرور زمان سازمان‌یافته‌تر می‌شود (Kohlberg, 1966).

در حقیقت، نقش‌ها و رفتارهای جنسیتی یکی از مؤلفه‌های مهم و اساسی همین فرایند کسب هویت به‌شمار می‌رود. کتاب‌های درسی یکی از کارگزاران اصلی انتقال ارزش‌های اجتماعی در محیط مدرسه هستند. محتوای کتاب‌های درسی گرایش دارند تا زنان و مردان را بیش‌تر در نقش‌هایی مجسم کنند که منطبق بر کلیشه‌های سنتی و مربوط به گذشته است تا نقش‌های جنسیتی مربوط به زمان حال یا آینده. به‌همین دلیل یکی از آشکارترین حوزه‌هایی که در آن تبعیض‌های جنسیتی می‌تواند نمایان شود، تدوین برنامه‌ها و کتب درسی است. کتاب‌های درسی با مجسم‌سازی تفاوت‌های جنسیتی موجود در نقش‌های اجتماعی، منزلت اجتماعی و ویژگی‌های شخصیتی دیدگاهی خاص را در مورد جهان اجتماعی به دانش‌آموزان ارائه می‌کند (Evans & Davis, 2000). توجه به این نکته ضروری است که کتاب‌های درسی نه‌تنها ابزاری هستند که با آن واقعیت اجتماعی به دانش‌آموزان منعکس می‌شود، بلکه هم‌چنین ابزاری هستند که می‌توانند کلیشه‌های موجود را زیر سؤال ببرند، آن‌ها را تضعیف یا متحول کنند (Law & Chan, 2004).

روی هم رفته موضوع مورد مطالعه به‌دلیل اهمیتی که داراست، پژوهش‌های متعددی در ارتباط با آن انجام می‌شود که هر یک به جنبه‌ای خاص از این مسأله تمرکز نموده‌اند. در اینجا به چند نمونه اشاره می‌کنیم، سپس پژوهش‌های انجام شده در کتاب‌های درسی بیان می‌گردد. محقق‌ی در پژوهش خود این‌گونه بیان نموده که والدین و جامعه از همان سنین ابتدائی با دخترها و پسرها به شکل متفاوتی رفتار می‌کنند. مناسب دانستن بازی با عروسک برای دختران و ماشین بازی برای پسران، ماندن دختر در خانه و پسر بیرون از خانه، نمونه‌هایی از رفتارهای کلیشه‌ای است. بنابراین کودکان با مجموعه‌ای از باورهای کلیشه‌ای درباره‌ی رفتارهای مناسب جنسیتی وارد مهد کودک و مدرسه می‌شوند، هم‌چنین عنوان داشته که معلمان، کودکان را در فعالیتهای کلیشه‌ای جنسیتی کانالیزه می‌نمایند (Zohrevand, 2007).

در مطالعه‌ای که افشانی و همکاران انجام داده به‌این نتیجه رسیده که زنان بیش‌تر در نقش‌های کودکی و نوجوانی و مردان عمدتاً در نقش‌های بزرگسالی به‌تصویر کشیده شده‌اند. خویشاوندان مذکر به نحوی چشم‌گیر بیش از خویشاوندان مؤنث منعکس شده‌اند. نسبت مشاغل زنانه کمتر و

نسبت مشاغل مردانه بیش‌تر است (Afshani & etal,2010). پژوهش‌های بیش‌ماری که در حوزه ادبیات صورت گرفته نیز از این جمله به‌شمار می‌روند (Nobakht & Ahmadi,2010;Alavi & Movahed & etal,2013; Saeidi,2011; Zekavat & poorgive,2011). نمونه‌های این چینی در سینما نیز وجود دارد که به بررسی نقش‌های جنسیتی پرداخته‌اند، از آن جمله پژوهش مهدیزاده و اسماعیلی (Mehdizadeh & ismaeili,2013)، که به بررسی تصویر زن در سینمای ابراهیم حاتمی کیا پرداخته است. یونسکو (۲۰۰۶) نیز به بررسی و تحلیل جنسیت در برنامه‌درسی و کتاب‌های درسی مدارس اسلام‌آباد پرداخته است. نتایج بدست آمده بیانگر تبعیض جنسیتی در برنامه‌درسی ملی بوده که مرد را به تصویر می‌کشد. بیش‌ترین سهم زنان در کتاب‌های ریاضی با ۲۹/۳٪ بوده است (Unesco,2006). اکثر پژوهش‌های صورت گرفته حول کتاب‌های درسی بر روی موضوعات عدالت اجتماعی در آموزش و راه‌هایی که در آن راه اصلی از دانستن یا تسلط بر تمرین‌های استدلالی عملیاتی شده در کتاب‌های درسی حاصل می‌شود، متمرکز شده‌اند (etal,2010; Sleeter Provenzo & Grant,2011; Ververi,2012). در پژوهشی با عنوان تفاوت‌های جنسیتی در بروندادهای آموزشی^۱ که در سال ۲۰۱۰ انجام شده نگرانی کشورهای اروپایی در نابرابری جنسیتی در آموزش به‌وضوح دیده می‌شود و آمده که به نظر می‌رسد تلاش بر موضوع جنسیت و برابری جنسیتی به عنوان یک موضوع میان رشته‌ای در برنامه‌های درسی مدارس کشورهای اروپایی است. در پژوهش‌های انجام شده در ایران نیز این مسأله به چشم می‌خورد که به نمونه‌هایی از کارهای صورت گرفته در این ارتباط اشاره می‌نماییم.

پژوهش‌های انجام شده در مورد کلیشه‌های جنسیتی نشان داده‌اند که کلیشه‌های جنسیتی رایج غالباً در متون درسی تقویت می‌شوند (Tylor,2003). به‌عنوان نمونه؛ وایتزمن و همکاران (با تحلیل محتوای کتاب‌های تصویری کودکان در طی سی سال متوالی نشان می‌دهند که زنان نسبت به مردان، در سه محور شخصیت‌های اصلی و تصاویر مربوط به کتاب‌های کودکان کمتر معرفی شده‌اند، پسران به‌صورت فعال و دختران به‌صورت منفعل و مردان برخوردار از حرفه و تخصص زنان در نقش مادری و همسر ترسیم شده‌اند (Weitzman & etal, 1972)، که با پژوهش انجام شده توسط گری و لیپهی (۲۰۱۳) همخوانی دارد که نشان دادند حضور نقش زن به صورت منفعل و پذیرنده و مرد به‌صورت فعال در کتاب‌های درسی آموزش بهداشت می‌باشد (Gray & Leahy, 2013).

امینی و بیرجندی (۲۰۱۲) بر تبعیض جنسیتی و انواع آن در کتاب‌های EFL در سطح مدارس متوسطه در ایران متمرکز شده‌اند. آن‌ها مؤلفه‌های ساخت و سازه‌های مردانه عمومی، مشاغل و

¹. Gender Differences in Educational Outcomes

فعالیت‌ها را در کتاب‌های درسی انگلیسی بررسی نمودند. یافته‌ها بیان‌گر آن است که این انتظار می‌رود به‌منظور بالا بردن آگاهی در مورد شیوه‌های جنسیتی در کتاب‌ها برای معلمان و فراگیران اقداماتی صورت گیرد (Amini & Birjandi, 2012).

لی و کالینز (۲۰۰۶) نیز تصاویر جنسیت را در کتاب‌های درسی انگلیسی در هنگ کنگ مورد مطالعه قرار داد. نقش‌ها، ساختار مردانه، عناوین، تصویر هر دو جنس، نقش‌های خانگی و اجتماعی در این مطالعه بررسی شده است (Lee & Collins, 2006). پژوهشی دیگر با عنوان بررسی موضوع جنسیت در کتاب‌های درسی دوره ابتدایی توسط هنگ‌جون و همکاران (۲۰۱۰) انجام شده است. آن‌ها فراوانی فعالیت‌های جنسیت و نقش بزرگسالان هر دو جنس را مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج این پژوهش حاکی از آن بوده که درصد مردان بیش‌تر از زنان بوده است. در ارتباط با فعالیت‌های انجام شده نیز کتاب‌ها فعالیت‌هایی که مردان بر آن تسلط دارند را بیش‌تر از زنان آورده است (Hengjun & etal, 2010).

در ایران نیز پژوهش‌های بسیاری در ارتباط با این موضوع انجام شده است که به‌نمونه‌هایی اشاره گردید. اما این موضوع در کتاب‌های درسی انگشت شمار بوده و تنها چند نمونه انجام شده که بدان‌ها اشاره می‌گردد. حاضری و احمدپورخرمی (۱۳۹۱) به بازنمایی جنسیت در کتاب‌های فارسی مقاطع تحصیلی راهنمایی و دبیرستان پرداخته‌اند. نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد که به مردان بیش از زنان پرداخته شده است و زنان حضور چندانی در کتاب‌های درسی ندارند. هم‌چنین زنان در اندک موارد حضور؛ موجوداتی ضعیف، عاطفی، نیازمند کمک و مطیع مردان بازنمایی می‌شوند. در مقابل مردان، حاضر در اجتماع، صاحب قدرت، دانا و عاقل، مدیر و کاردار، شجاع و جنگنده تصویر شده‌اند (Hazeri & Ahmadpoor, 2013). در مطالعه‌ای که افشانی و همکاران (۱۳۸۸) انجام داده به‌این نتیجه رسیده که زنان بیش‌تر در نقش‌های کودکی و نوجوانی و مردان عمدتاً در نقش‌های بزرگسالی به‌تصویر کشیده شده‌اند (Afshani & etal, 2010). پژوهش حجازی (۱۳۸۵) نیز نشان می‌دهد که حضور زنان و دختران در کتاب‌های درسی کمتر از حضور مردان و پسران است (Hejazi, 2007). جهت تدوین مؤلفه‌های مورد بررسی از مطالعات پژوهشی گوناگون از جمله؛ عریضی و عابدی (۱۳۸۲)، حجازی (۱۳۸۵)، تانگ (۲۰۰۹)، یونسکو (۲۰۰۶)، امینی و بیرجندی (۲۰۱۲) و... استفاده گردید (Tong, Hejazi, 2007; Unesco, 2006; Amini & Birjandi, 2012) و... (2000; Oreizi & Abedi, 2004)

۱. نحوه‌ی انعکاس و میزان توجه به نقش‌های شغلی در محتوای کتاب‌های درسی با تأکید بر جنسیت به چه صورت است؟
۲. نحوه‌ی انعکاس و میزان توجه به تصاویر جنسیتی در محتوای کتاب‌های درسی به چه صورت است؟

روش پژوهش:

در این تحقیق از روش تحلیل محتوی استفاده شده است. از نظر ساروخانی (۱۳۸۳)، تحلیل محتوا یکی از مهم‌ترین و پرکاربردترین روش‌های تحقیق است و به درستی می‌توان گفت هر محقق‌ی به صورتی با آن سروکار دارد (Sarokhni, 2005). واحد تحلیل نیز صفحات (متن، پرسش‌ها و تمرین‌ها، تصاویر) می‌باشد. برای تحلیل محتوی مراحل مختلفی طی می‌شود. از جمله این مراحل می‌توان سه مرحله عمده زیر را ذکر نمود:

۱. مرحله قبل از تحلیل (آماده سازی و سازمان دهی).

۲. بررسی مواد (پیام)

۳. پردازش نتایج (Sarmad & etal, 2005)

روش تحلیل مورد استفاده در این پژوهش، آنتروپی شانون می‌باشد. آنتروپی در تئوری اطلاعات، شاخصی است برای اندازه گیری عدم اطمینان که به وسیله، یک توزیع احتمال بیان می‌شود.

مراحل تحلیل محتوا در تکنیک آنتروپی شانون:

مراحل این روش بنا بر گفته آذر (۱۳۸۰) بدین صورت می‌باشد.

مرحله اول: بدست آوردن ماتریس فراوانی‌های جدول فراوانی، بهنجار شده، بر اساس رابطه زیر

$$p_{ij} = \frac{F_{ij}}{\sum_{j=1}^m F_{ji}} \quad (i=1,2,3,\dots,n, j=1,2,\dots,m)$$

مرحله دوم: بار اطلاعاتی هر مقوله را محاسبه کرده و در ستون‌های مربوط قرار می‌دهیم و برای

$$E_j = K \sum_{h=1}^m p_{jh} \ln p_{jh} \quad (j=1,2,\dots,n) \quad K = \frac{1}{Lnm}$$

این منظور از رابطه زیر استفاده می‌شود:

مرحله سوم: با استفاده از بار اطلاعاتی مقوله‌ها ($n=1, 2, \dots$ و $j=1$) ضریب اهمیت هر یک از مقوله‌ها محاسبه شده است. هر مقوله‌ای که دارای بار اطلاعاتی بیش‌تری باشد از درجه اهمیت (WJ) بیش‌تری نیز برخوردار می‌باشد. که برای محاسبه ضریب اهمیت از رابطه زیر استفاده شده است

$$W_j = \frac{E_j}{\sum_{j=1}^n E_j} \quad (\text{Azar, 2002})$$

جامعه آماری

جامعه آماری، کلیه کتاب‌های پایه ششم دوره ابتدایی؛ شامل ۹ جلد کتاب درسال تحصیلی ۱۳۹۳-۱۳۹۲ در نه عنوان فارسی (بخوانیم)، فارسی (بنویسیم)، علوم، هدیه‌های آسمانی، آموزش قرآن، ریاضی، مطالعات اجتماعی، تفکر و پژوهش، کار و فن‌آوری و نمونه‌آماري این پژوهش، هشت عنوان فارسی (بخوانیم)، فارسی (بنویسیم)، علوم، هدیه‌های آسمانی، قرآن، مطالعات اجتماعی، تفکر و پژوهش، کار و فن‌آوری را شامل می‌شود.

روایی و پایایی ابزار اندازه‌گیری

روایی: روایی با طرح این پرسش همراه است که آیا ابزار سنجش واقعا مفهوم موردنظر را می‌سنجد یا نه (Bakar, 2003). روایی روش تحلیل محتوای این تحقیق نیز که از روش آنتروپی شانون بهره برده است به تأیید صاحب‌نظران از جمله (آذر، ۱۳۸۰) رسیده است. در عین حال برای تأیید مؤلفه‌های مورد بحث، نه تنها از منابع در دسترس از جمله یونسکو (۲۰۰۶)، امینی و بیرجندی (۲۰۱۲)، حجازی (۱۳۸۵) و... استفاده شده است، بلکه به تأیید تعدادی از صاحب‌نظران نیز رسید. **اعتبار:** جهت برآورد پایایی از سه ارزیاب خواسته شد تا مؤلفه‌های این تحقیق را بررسی نمایند. به عبارتی ثبات طبقه‌بندی تعریف شده بود، لذا ساده‌ترین راه تعیین پایایی، محاسبه به صورت زیر بوده است (Delavar, 2005)؛ ضریب پایایی = تعداد واحدهایی که در یک طبقه کدگذاری شده‌اند بر مجموع کل تعداد واحدهای کدگذاری شده. از آنجا که در تحلیل محتوا ملاک منطقی برای قضاوت درباره ضریب پایایی وجود ندارد، صاحب‌نظران ملاک ۶۰ درصد را پذیرفته‌اند که در این پژوهش برابر با ۰/۸۵ می‌باشد.

یافته‌های پژوهش

طبق یافته‌های بدست آمده از تحقیق؛ درمجموع ۸۲۹ صفحه از کتاب‌های سال ششم دوره ابتدایی؛ بیش‌ترین میزان توجه به تصاویر جنسیتی (مرد یا زن) بودن در کتاب مطالعات اجتماعی و کمترین میزان مشاهده شده در کتاب فارسی بنویسیم بوده که موردی مشاهده نگردید. در ارتباط با نقش-های شغلی نیز بیش‌ترین میزان مشاهده شده در کتاب علوم تجربی ۳۸ مورد و کمترین در ارتباط با مؤلفه‌ی نقش‌های شغلی در کتاب‌های علوم تجربی و کار و فن‌آوری بوده است. در زیر بطور کامل مشاهدات بدست آمده از کتاب‌های درسی درجدول آورده شده است.

جدول ۱: توزیع فراوانی توجه به مؤلفه‌های موردتحقیق درصفحات کتاب‌های درسی

مطالعات اجتماعی	زن	مرد	میزان توجه به نقش‌های شغلی	
			تصاویر جنسیتی	میزان توجه به نقش‌های شغلی
	زن	مرد	زن	مرد

خارج از منزل	داخل منزل (خانگی)	خارج از منزل	داخل منزل (خانگی)	۲۴	۱۱	
۲۴	۰	۳	۵			
۷	۰	۱	۰	۳۰	۶	آموزش قرآن
۰	۰	۰	۰	۴	۰	تفکر و پژوهش
۴	۰	۱	۱	۲۵	۱	فارسی (بخوانیم)
۲	۰	۰	۰	۰	۰	فارسی (بنویسیم)
۱	۰	۲	۰	۱۶	۴	هدیه‌های آسمانی
۰	۰	۰	۰	۳۰	۸	علوم تجربی
۰	۰	۰	۰	۶	۰	کار و فن‌آوری
۳۸	۰	۷	۶	۱۴۵	۳۰	جمع کل

با توجه به جدول فوق می‌توان عنوان نمود که بیش‌ترین توجه در ارتباط با تصاویر جنسیتی در کتاب علوم و کمترین آن در کتاب فارسی (بنویسیم) بوده که موردی مشاهده نگردید. در ارتباط با نقش‌های شغلی (مشاغل) بیش‌ترین مورد در کتاب مطالعات اجتماعی و کمترین در کتاب‌های تفکر و پژوهش، علوم و کار و فن‌آوری بوده است. نکته قابل توجه آن است که در تمامی کتاب‌های مورد بررسی هم در ارتباط با مؤلفه‌ی تصاویر جنسیتی و هم نقش‌های شغلی بیش‌ترین فراوانی مربوط به مردان بوده است و اختلاف فاحشی دارد و تنها در کتاب هدیه‌های آسمانی با فاصله‌ی اندک، زنان در مؤلفه‌ی مشاغل از مردان فراوانی بیش‌تری به خود اختصاص داده‌اند. در یک جمع‌بندی کلی بیش‌ترین فراوانی در ارتباط با تصاویر جنسیتی و آن هم تصویر مردان بوده است و کمترین فراوانی در ارتباط با مشاغل مردان در داخل منزل بوده که موردی مشاهده نگردید. این امر خود بیانگر کلیشه‌های جنسیتی و توجه به مردان بیش از زنان می‌باشد.

جدول ۱: میزان بار اطلاعاتی و ضریب اهمیت مؤلفه‌های مورد بررسی در کتاب‌های درسی

ضریب اهمیت		میزان بار اطلاعاتی		
نقش‌های شغلی	تصاویر جنسیتی	نقش‌های شغلی	تصاویر جنسیتی	کتاب‌های درسی
۰/۶۸۳	۰/۱۵۲	۱/۹۱	۰/۵۸	مطالعات اجتماعی
۰/۱۵۲	۰/۱۶۵	۰/۰۲۶۶	۰/۶۴	آموزش قرآن
۰	۰/۰۷۱	۰	۰/۴۲	تفکر و پژوهش
۰/۰۱۱	۰/۱۰۶	۰/۰۲	۰/۴۰	فارسی (بخوانیم)
۰	۰	۱	۰	فارسی (بنویسیم)
۰/۰۱۱	۰/۰۶۶	۰/۰۲	۰/۳۰	هدیه‌های آسمانی
۰	۰/۴۳۲	۰	۰/۷۱	علوم تجربی

کار و فن‌آوری	۰/۲۳	۰	۰/۱۰۴	۰
---------------	------	---	-------	---

جدول فوق حاکی از آن است که در صفحات تحلیل شده، بیش‌ترین میزان بار اطلاعاتی و ضریب اهمیت در ارتباط با تصاویر جنسیتی مربوط به علوم تجربی با ۰/۷۱ بار اطلاعاتی و ۰/۴۳۲ ضریب اهمیت و کمترین مربوط به کتاب فارسی (بنویسیم) و در ارتباط با نقش‌های شغلی با ۱/۹۱ بار اطلاعاتی و ۰/۶۸۳ ضریب اهمیت مربوط به کتاب مطالعات اجتماعی بوده است.

بحث و نتیجه‌گیری

کلیشه‌های جنسیتی در کتاب‌های درسی امری جهانی است و به‌رغم کم‌وزیاد بودن آن در کشورهای مختلف، در همه‌ی کشورهای جهان وجود دارد (Unesco, 1982). از طرفی صاحب‌نظران عقیده دارند پنج منبع برای توسعه نیازهای انسانی وجود دارد؛ آموزش و پرورش، تغذیه و سلامت، محیط زیست، اشتغال، آزادی سیاسی و اقتصادی؛ که در این بین آموزش و پرورش به‌عنوان مهم‌ترین و پایه‌ای‌ترین منبع رشد و توسعه نیروی انسانی در کلیه کشورها باید مورد توجه قرارگیرد. در این رابطه برنامه‌ها و کتاب‌های درسی به‌عنوان یکی از عناصر مطرح در آموزش و پرورش بوده‌که، هم می‌توانند نقش و اهمیت این مفاهیم را برای دانش‌آموزان روشن و هم، آن را کمرنگ سازند. در این بین با توجه به یکی از تغییرات مهمی که در برنامه‌های درسی و به تبع آن تهیه و تنظیم کتاب‌ها و مواد درسی دوره ابتدایی صورت گرفته، افزودن پایه ششم و کتب مربوط به این مقطع می‌باشد. براین اساس، کتاب‌های درسی این مقطع مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد، کتاب‌های درسی مقطع ششم نتوانسته است نقش و اهمیت اساسی این مسأله را برای دانش‌آموزان روشن سازد و در این مسیر نقشی مثبت ایفا کند. لذا این امر نیازمند توجه و تلاش وافر جهت گنجاندن مفاهیم در برنامه‌ها و کتاب‌های درسی می‌باشد، از سوی دیگر؛ دوره ابتدایی، دوره‌ای از تحصیل است که اساس دوره‌های بالاتر آموزشی و تجربیات قبلی دانش‌آموزان می‌باشد. در خلال تحلیل محتوای کتاب‌های درسی از ۸۲۹ صفحه، روی هم رفته ۲۲۶ مورد در ارتباط با مؤلفه‌های مورد بررسی مشاهده گردید. اما توجهی بیش‌تر معطوف به جنسیت مرد و مشاغل خارج از منزل بوده است و تصویر زنان در مقایسه با مردان اندک بوده و مشاغل مطرح شده نیز بیش‌تر مشاغل خانگی (داخل منزل) بوده است که این خود بیانگر تفاوت‌های جنسیتی میان مردان و زنان می‌باشد که با نتایج پژوهش افشانی و همکاران (۱۳۸۸) همخوانی دارد و یا با پژوهشی که یونسکو (۲۰۰۶) انجام داده نشان داده شده که تبعیض جنسیتی در برنامه‌درسی ملی وجود دارد که مرد را به تصویر می‌کشد نیز در یک راستا است. پژوهشی که توسط وایتزمن و همکاران (۱۹۷۲) انجام شده نیز با این تحقیق همخوان است که نشان داده مردان برخوردار از حرفه و تخصص زنان در

نقش مادری و همسر ترسیم شده‌اند. هم‌چنین پژوهش‌های دیگری نیز مانند پژوهش هنگ‌جون و همکاران (۲۰۱۰)، حاضری و احمدپورخرمی (۱۳۹۱) نیز با این تحقیق همخوان است. داده‌های به‌دست آمده از این تحقیق، بیانگر آن است که کتاب‌های تحلیل شده بر نقش مردان بیش از زنان تکیه داشته‌اند و این امر هم در ارتباط با تصاویر آمده در کتاب‌ها و هم در ارتباط با مشاغل عنوان شده می‌باشد. در کتاب‌های درسی ۱۴۵ تصویر به مردان و ۳۰ تصویر به زنان اختصاص یافته است. مشاغل ذکر شده در کتاب‌های درسی ۳۸ مورد در ارتباط با مردان مشاهده گردید که تمامی آنها مربوط به مشاغل خارج از منزل بوده است به‌عنوان نمونه مشاغلی چون پزشک، ماهی‌گیر، کشاورز، مهندس، پلیس و ... و ۱۳ مورد به مشاغل زنان اشاره شده است که اکثر آن مشاغل داخل منزل (خانگی) مانند خانه‌داری، خیاطی بوده است و مشاغل خارج از منزل که برای زنان در کتاب‌های مورد بررسی تصور شده است مشاغلی مانند معلمی، کشاورزی بوده است و شغل دیگری برای زنان لحاظ نگردیده بود. سطور فوق همگی حاکی از تبعیض جنسیتی در کتاب‌های درسی پایه ششم چه در تصاویر موجود در کتاب و چه در زمینه‌ی مشاغل می‌باشد. در صورتی که در بسیاری از موارد حضور و نقش زن را بیش از این می‌توان در کتاب‌ها گنجانید. به‌عنوان در بخشی از کتاب آموزش قرآن به بیان سوره نساء پرداخته شده و چندین تصویر لحاظ گردیده است که در یکی از این تصاویر زنی در حال نماز خواندن است و چندین عکس نماز خواندن مردان را به تصویر کشیده است و یا در کتاب‌های مطالعات اجتماعی که بیش‌ترین فراوانی در ارتباط با مشاغل مشاهده گردید و سایر کتاب‌ها که مشاغل مهندس، پزشک، پلیس، اندیشمندان، شعرا و بزرگان را برای مردان متصور شده و تنها شغل معلمی و کشاورزی را برای زنان در کتاب‌ها به‌تصویر کشیده است. آیا به جد شغلی غیر از خانه‌داری برای زنان مطرح نمی‌شود؟ به‌خصوص در چندین سال اخیر که نگرش‌ها تا حدی نسبت به زنان روشن‌تر شده است. روی هم رفته باید عنوان نمود که کتاب‌های درسی پایه ششم تفاوت‌های جنسیتی را بازتولید می‌کنند و نیاز به بازبینی در این رابطه احساس می‌شود.

Reference

Abedini baltork, M(2010).content analysis in textbooks upon health education, thesis, Mazandaran: Babolsar [Persian]

Afshani, A.R.; Askari Nadoshan, A. & Fazel najafabadi (2010). Reproduction of gender roles in the Persian Book of primary school, the women, 7(1), 87-107. [Persian]

Alavi, F. & Seidi, S. (2011). Check the status of women The effects of realistic IN Jamalzadeh & Balzak, Women in Culture and the Arts, 1(3), 39-58 [Persian]

Amini, M. and Birjandi, P. (2012). Gender Bias in the Iranian High School EFL Textbooks, *English Language Teaching*, 5(2): 133-147 [Persian]

Azar, A., 2002, Shannon entropy method for data processing developed content analyze, *Journal of Humanity university*, No37-38, Pp8-12. [Persian]

Baker, T. (2003). *social investigations*, Translation: Naebi, H., Tehran: Sorosh [Persian]

Delavar, A. (2005). *Building a theoretical and practical survey in humanist and social*, Tehran: Roshd [Persian]

Education, Audiovisual and Culture Executive Agency (2010). *Gender Differences in Educational Outcomes: Study on the Measures Taken and the Current Situation in Europe*, Education, Audiovisual and Culture Executive Agency.

Evans, L. and Davis, K. (2000). No sissy boys here: a content analysis of the representation of masculinity in elementary school reading textbooks, *sex roles*, 42(3/4): 255-270.

Glover, D. & Cora K. (2009). *Genders*, London: Routledge.

Gooden, A.M. and Gooden, M.A. (2001). Gender representation in notable children's picture books: 1995-1999, *Sex roles*, 45(1/2): 89-101.

Gray & Leahy (2013). Sex and gender translations and health education textbooks, *Journal of Writing and Writing Programs*, (23): 1-10.

Hazeri, A. & Ahmadpour, A. (2013). Gender representation in Persian literature and high school levels of school, *Women in Development & Politics*, 10(3), 75-96. [Persian]

Hejazi, A. (2007). Portrait of the woman in the book of elementary school reform: Way to achieve equal opportunities, *Journal of Education*, 3, 121-145. [Persian]

Hengjun, T., Bifen, Ch., Weizhong, ZH (2010). Gender Issues in Mathematical Textbooks of Primary Schools, *Journal of Mathematics Education*, 3(2): 106-114

Imani, M & Mozafar, M (2005). Analysis of the contents of the book gifts sky Work published in 1381 in the second grade religious, Educational Innovation, 7, 115-142. [Persian]

Kohlberg, L. (1966). *A Cognitive- Developmental and Attitudes Analysis of Childrens Sex- role Concepts abd Attitudes*, in E.E. Maccoby (ed), Stanford: Stanford university press.

Law, K.W.K and Chan, A.H.N (2004). Gender roles stereotyping in Hong Kong's primary school Chinese language subject textbook, *AJWS*, 10(1): 49-69.

Lee J, F.K., Peter, C (2006). *Gender Representation in Hong Kong English Textbooks*, available at: www.eoc.org.hk/eoc/upload/2006711112336211184.pdf, 1-40.

Massen, H. Kigan, J. Hoston, A.K & Vi Kanjer, J.J. (2011). Child development and personality, Translation: Mahshid Yasaei, Tehran: Publication Center.

Mehdizadeh, M & Ismaeili, M (2013). Semiotic woman in Cinema Ebrahim Hatami Kia, *Women in Culture and the Arts*, 4(1), 81-105. [Persian]

Movahed, M; Asgari, M & Yadali, Z (2013). Sociological analysis of women proverbs In Lamerd, *Women in Culture and the Arts*, 4(2), 101-120. [Persian]

Nobakht, R & Ahmadi, N (2010). Examine the role of Southern women in folk tales, *women*, 1(1), 61-73. [Persian]

Oraizi, H.R & Abedi, A (2004). Content analysis text books upon at progress, *Educational Innovation*, 2(5), 29-54. [Persian]

Provenzo, Eugene F, Annis N Shaver & Manuael Bello (eds). *The textbook as Discourse: Sociocultural Dimensions of American Schoolbooks Abingdon*, Oxon: Routledge, 183° 215.

Salehi omran, E; Abedini baltok, M & Mansoori, S (2011). Patterns varied nationalities in identify achievement and my job and survey in psychology, congress of gender difference in psychology, Tabriz: Shabestar, 42-50. [Persian]

Sarmad, Z & etal (2002). investigation method in behavioral science, Tehran: Sepehr. [Persian]

Sarokhani, B (2005). Materials and Methods in social science, Tehran: Humanities Research Institute of Cultural Studies. [Persian]

Sheikhavandi, D. (2007). Reflective identify sexual in social books, education, 87, 93-120. [Persian]

Sleeter, Ch. E & Grant C, A (2011). *Race, Class, Gender and Disability in Current Textbooks*, Routledge

Tong, R. (2009). *Feminist Thought: A More Comprehensive Introduction*. Colorado: Westview Press.

Tylor, F. (2003). Content analysis and gender stereotypes in children's books, *Teaching Sociology*, 31: 300-311.

Unesco (1982). *The Portrayal of Men and Women in Primary and Secondary School Textbooks (china, france, Kuwait, Norway, peru, Ukraine, Zambia)*, Unesco office of public information.

Unesco, Islamabad (2006). *Gender Analysis of School Curriculum and Textbooks*, Unesco.

Ververi, O (2012) Essentially contested representations of social reality in textbooks: the case of the Education of democratic citizenship programme in P Cunningham and N Fretwell (eds) *Creating communities: local, national and global*, London: CiCe, 242° 49.

Weitzman, L; Eifler, D; Hokada, E and Ross, C (1972). Sex- role socialization in picture books for pre- school children, *American journal of Sociology*, 77(6): 1125-1150

Zekavat, M & Poorgive, F (2011). The role of gender in Aunt soskeh, *Children's Literature Studies*, 1(2), 27-44. [Persian]

Zibaeinazhad, M. R. (2009). *Identity and gender roles*, Tehran: Office of Women's Studies [Persian]

Zohreh, R (2005). The Association of genders pictures and satisfaction of gender, women, 2(2), 117-125.